

نامه سر گشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره پیش نویس قانون اساسی



دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۰
شنبه ۲ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

اصلاحات مورد
پیشنهاد حزب توده
ایران درباره
پیش نویس
قانون اساسی

چگونه روشی: اصولی یا پیروزی بخش؟

● وقتی مطمئنیم که هر روشی اصولی سر انجام
پیروزی بخش است، چرا با آلودن مشی حزب
به بدبازیهای سیاسی، بدنبال پیروزی آسان و
وحدرا برویم؟

درست بود؟ آری درست بود لذا
علی رغم مساعی دشمنانش به نتیجه
رسید. لومومیا در مبارزه برای
رهائی کنگو از شر استعمار و
نواستعمار شکست خورد. ولی آیا
سیاست لومومیا در این زمینه
درست بود یا سیاست رقیبان سقله
او امثال چومبه و موبوتو؟ روشن
است که حق با لومومیاست. امام
خمینی در مبارزه ۱۵ خرداد
۱۳۴۲ موفقیتی نداشت، شکست
خورد و به تبعید اجباری رفت.
ولی آیا امام خمینی در مبارزه
خود پاشاه و کاپیتولاسیون ذبیح
بود؟ آری، ذبیح بود.

حزب توده ایران، بنسوبه
خود، در بیکار نابرابر خویش با
امپریالیسم ورزیم دست نشانده اش
باشکست و ناکامی قرین گردید.
حتی اگر همه نسخه های «صحیح
گران دلسوز» حزب نیز بکار
بسته میشد، (یعنی نسخه های کسانی
که عقشان پس از حادثه معجزه
میکند!) بازهم در افسر تناسب
نیرومند قوا، بسود امپریالیسم و
ارتجاع، حزب ما شانس موفقیت
نداشت. ولی آیا بدین دلیل حزب
میبایست از نبرد عادلانه خود
دست بکشد، زیرا کار درست گویا
کاری است که حتماً و فوراً باید
پیش برود؟ ابتدا و اصلاً

قانون تاریخ است که نیرو
های نو و انقلابی، غالباً در دورهای
اول مبارزات موفق نمی شوند.
بقیه در صفحه ۴

يك اشتباه بنیادی در نزد
حتی اشخاص با حسن نیت وجود
دارد و آن اینست که، «باید روشی
انتخاب کرد که منجر به موفقیت
شود». موفقیت و پیروزی، در نزد
بسیاری، محور اساسی در جریان
نقشه بندی عمل است و تنها «ارزش»
معتبری است که معتقدند باید
بدنبال آن رفت. در نظر چنین کسانی
اگر شما شکست خوردید، حتی
اگر کاملاً ذبیح بودید و اصولی
و علمی عمل کرده اید، فاقد هر
گونه فضیلتی هستید. ولی اگر
شما فاتح شدید، حتی اگر آن فتح
را با شیوه های ناهق و رذیله های
بدست آورده اید، در خورد هر گونه
مدعییتی هستید. بهمین جهت
اروپائیها می گویند، «پیروزمندان
را محاکمه نمی کنند»، یعنی فقط
شکست خوردگان هستند که باید
محاکمه پس دهند. بهمین جهت
جان کنده می گفت، «شکست یتیم
است، ولی پیروزی هزار پدر
دارد»

ما این طرز قناتوت بورژوا
ما بانه پیروزی بهر قیمت! را
رد می کنیم. ما بر آنیم که يك
سیاست درست و اصولی، خلقی و
میهن پرستانه اصل است، نه فتح
یا شکست.

دکتر مصدق در جریان
مبارزه دلیرانه خود با کارتل
جهاخور نفت شکست خورد.
ولی آیا سیاست دکتر مصدق در
ارتباط با ملی کردن صنعت نفت

در صفحات دیگر میخوانید

جهاد برای
سازندگی
قانونمندی تداوم
و تثبیت دستاورد.

صفحه ۶
در آذربایجان هم
باید آزادی برای
همه نیروهای
انقلابی تأمین
گردد.

صفحه ۶
احداث نیروگاه
اتمی يك خیانت
دیگر پهلوی
مسلمانان و
ساختمان جامعه
نود را اتحاد شوروی

صفحه ۶
آقای شهردار
میانها! حرف های
شما بسود
امپریالیسم و
ارتجاع است

صفحه ۶
بر مزار ۵ شهید توده ای بابل
هزاران توده ای برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند

● خواهر یکی از شهدا: «تنها با تشکیل جبهه متحد خلق است که می توانیم فرصت طلبان و نفاق
افکنان را از صف خود بیرون کنیم.»

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۳

در دادگاه تهرانی، دژ خیم سازمان امنیت: اسرار همکاری مائوئیست ها با ساواک فاش شد

سیروس نهاوندی، رهبر سازمان انقلابی، به خدمت ساواک درآمد
و حالا هم با ایجاد سازمان مائوئیستی شفق سرخ، علیه انقلاب
ایران فعالیت میکند.

انقلابی، را توده ای معرفی کند. دژ خیم ساواک،
که خون صدها شهید، از جمله رفیق قهرمان
توده ای پرویز حکمت جو، هنوز بر دستهای
نخستکیده، در قسمتی از سخنان خود گفت،
«تعدادی از اعضای سازمان انقلابی حزب توده
نیز به تهران آمده بودند و بعنوان کادر حزبی
فعالیت میکردند...»

«این سخنان» بویژه وقتی چند دقیقه قبل
از آن، درباره نفوذ ساواک در تشکیلات تهران
حزب توده ایران اعتراضات جلاشدیده شده بود،
در اذهان مردمی که با تاریخ سازمانهای سیاسی
ایران آشنائی ندارند، این توهم را بوجود
میاورد که، «سازمان انقلابی» متعلق به حزب
توده ایران است.

ولی همه مبارزان و آشنایان به تاریخ
اخیر ایران میدانند که، سازمان به اصطلاح
انقلابی، يك سازمان
مائوئیستی است و هیچ
رابطی به حزب توده ایران
ندارد، غیر از اینکه
بقیه در صفحه ۴

جلاد معروف ساواک، بهمن نادری پور،
معروف به تهرانی، در ادامه محاکمه خود
در دادگاه انقلاب، از جنایاتهای
مائوئیست ها پرده برداشت و فاش کرد که،
چگونه اغلب رهبران مائوئیست ها تسلیم
ساواک شده اند و در دستگیری مبارزان با
دستگاه جهنمی شاه مخلوع همکاری
داشته اند.

تهرانی که سالیان دراز مجری ددمنشانه
ترین جنایات رژیم آریامهری بوده، بنا به
تربیت جلاخانه، بی آنکه از مبارزات و
قهرمانیهای فرزندان دلاور خلق ایران، حکمت جویها،
تیزابیها، گل سرخیها، کتیرائیها، مفتاحیها
و احمدزادهها حرفی بزند، کوشید تسلیم طلبی
مائوئیستها را بحساب «کمونیست های ایران»
بگذارد و سعی کرد مائوئیست های سازمان

درباره سالت ۲ برای آنانکه نمیخواهند و یا نمیتوانند اهمیت آن را درک کنند

عده ای از دست به قلمان، در ایران درست مانند غرب
بنابر مساهبت و موضع ظنقاتی خود یا بعزت عجز از درک
واقعیتها و ضرورتها، در ارزیابی امور و وقایع جهان، عنان
اندیشه بدست اغراض و دشمنیهای سپارند و بگونه ای داوری
می کنند که اگر اثری بر آن مترتب می شود، چه بسا که حاصل
تلاشهای مداوم رجال مسؤول جهان را در زمینه استقرار
صلح و امنیت بیاد می داد.

امر نظام، صلح و همزیستی
بین ملتها آفتقدار برای جهانهای
اهمیت دار که حتی فلان شخصیت
جهان سرمایه داری را - البته
بعزت فشار افکار عمومی - به
پذیرش موضعی انتطاف پذیر در
برابر جهان سوسیالیستی ناگزیر
میسازد. این معنی را لئونید ایلچ
بر ژنف در سخنان خود خطاب به
کارتر چنین بیان کرد:
«هر يك از ما اکنون می داند
که امحاء طرف دیگر از عرصه
زمین ناممکن است». این معنی
را هلموت اشمیت صدراعظم آلمان
فدرال نیز درک می کند، لکن
روزنامه «دی ولت» در همان آلمان
هلموت اشمیت، درست مانند روزنامه
مامور یا غیر مسؤولی که در تهران
چاپ می شود، رویداد بزرگی چون
امضای پیمان سالت ۲ را بدسکالانه
تلقی می کند یا «دروغ بزرگ»
می نامدش! بقیه در صفحه ۵

بر مزار ۵ شهید توده ای بابل هزاران توده ای برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند

● خواهر یکی از شهدا: «تنها با تشکیل جبهه متحد خلق است که می توانیم فرصت طلبان و نفاق
افکنان را از صف خود بیرون کنیم.»



اسداله روشن، پسر رفیق شهید اسکندر روشن از روزی می گوید که دژ خیمان شاه صفوف توده ایها را به
رگبار مسلسل بستند و نفر را شهید کردند.

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

نامه سرگشاده کمیته مرکزی درباره پیش نویس قانون اساسی

به ریاست محترم هیأت دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنابر وظیفه ملی و میهنی خود و با توجه با اهمیت خطیری که در شرایط کنونی تصویب سریع قانون اساسی در تحکیم پیشرفت امر انقلاب داراست، پیش نویس مستن پیشنهادی قانون اساسی را که درجراید انتشار یافته، بلافاصله مورد مطالعه و بررسی قرارداد. و اینک خرسند است که میتواند نتایج بررسیهای خود و پیشنهادهایی را که، بنظر کمیته مرکزی حزب ما میتواند کمک موثری به تکمیل طرح مورد پیشنهاد در جهت هدفهای انقلاب ایران بنماید، تقدیم دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدماتاً باستحضار عالی برساند که پیش نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواستهای مشروع و حقه مردم ایران را منعکس میسازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است. پیشنهادهایی که دربرگهای پیوست تقدیم میشود، صرفاً مربوط به مسائل عمدهای است که بنظر ما تصریح آنها درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقش موثری ایفا خواهند نمود. بهمین سبب از بسیاری پیشنهادهای درست

دیگری، که بعقیده کمیته مرکزی حزب ما جنبه فرعی دارند، صرف نظر شده است. در خاتمه، کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میداند که آمادگی خویش را برای شرکت و اداء توضیحات، از جمله در باره پیشنهادهای اصلاحی دیگر که جنبه فرعی دارند، در هر جلسه ای که مسائل مربوط به قانون اساسی را مورد بررسی قرار میدهد، اعلام دارد. با امیدواری باینکه پیشنهادهای سازنده حزب ما مورد توجه کامل قرار خواهد گرفت، خواهشمندیم مراتب احترامات عمیق ما را بپذیرید. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی

۳- پیشنهاد میشود که درباره حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن به نظریات زیرین توجه شود:

۱- حزب توده ایران ضرور میداند که در قانون اساسی فصلی به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مشعر بر خطوط عمده این نظام تخصیص داده شود. بعقیده حزب توده ایران، خطوط عمده نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را میتوان بقرار زیرین تصریح نمود:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه ریزی منظم دولتی قرار دارد. سه بخش مزبور طبق نقشه های اقتصادی مصوب مجلس شورای ملی، بصورت بهم پیوسته ای در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور، تحکیم و ترقی قدرت اقتصادی و مالی مملکت و بهبود و ارتقاء مستمر سطح زندگی مردم بویژه زحمتکشان، با یکدیگر همکاری میکنند. بخش دولتی عمده عامل اقتصاد کشور و وسیله اساسی بویاتی آنتست و در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند. بخش دولتی کلیه رشته های صنایع کلیدی و مادر، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریایی کشور، وسائل تولید نیرو، سدها، شبکه های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه آهن، راه ها، هواپیمائی و کشتیرانی و وسائل ارتباطی، موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، جنگل ها، مراتع عمومی و زمینهای خالصه ای را که هنوز میان دهقانان تقسیم نشده است، بصورت مالکیت عموم خلق در دست دولت متمرکز میکند.

وسائل تولید، موسسات و اموالی که شرکتهای تعاونی تولید و مصرف دهتانی و دیگر سازمانهای تعاونی شهری و روستائی برای انجام وظایف اساسنامه ای خود در اختیار دارند یا خواهند داشت، ملک جمعی تعاونیهای مزبور بشمار میروند و مجموعاً بخش تعاونی اقتصاد را تشکیل میدهند. استفاده مجانی از زمینهای که دولت در اختیار تعاونیها قرار میدهد، مورد تقصین است.

دولت موظف است سهم بخش دولتی و تعاونی را در مجموع اقتصاد کشور بطور مستمر گسترش دهد. بخش خصوصی آن رشته های از صنعت، کشاورزی و بازرگانی و بطور کلی آن قسمت از فعالیتهای اقتصاد کشور را، که طبق قوانین در عداد فعالیت بخش دولتی و تعاونی اقتصاد قرار نگرفته است، دربر میگیرد. مالکیت در بخش خصوصی اقتصاد، تا آنجا که موجب تحکیم و تقویت استقلال و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی کشور و برآوردن نیازمندیهای مصرفی و خدماتی مردم است و طبق قوانین و نقشه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار میگیرد، از حمایت قانونی برخوردار است.

یکار بستن اصول برنامه ریزی، سازماندهی و اداره علمی رشته های مختلف اقتصاد در عداد وظایف اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نقشه اقتصادی دولتی باید تکامل همه ییوند و هماهنگ کلیه مناطق کشور و همه بخشهای فعالیت اقتصادی را تأمین نماید. در تنظیم نقشه اقتصادی، همه مردم ایران از طریق شوراهای منتخب خود در مقیاس ده، بخشی، شهر، شهرستان و استان و هم چنین بوسیله اتحادیه های کارگری و دهقانی و دیگر سازمانهای صنفی و اجتماعی خلق شرکت خواهند نمود.

۴- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران بشرح زیرین در قانون اساسی خلاصه شود:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برپایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، براساس حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز بخواک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها، بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلقهایی که علیه استعمار، نو استعمار، امپریالیسم، صهیونیسم، فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بشمار میروند.

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیتها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید برپایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند، که حدود آنرا قانون تعیین میکند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنبه زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.

۵- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود:

قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.

۶- پیشنهاد میشود که ذیل اصل ۴۸ پیش نویس قانون اساسی درباره انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، حکم زیرین وارد گردد:

کرسپهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهریک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود.

۷- پیشنهاد میشود که اصلاحات لازم در طرح قانون اساسی در ارتباط با مسائلی که ذیلا ذکر شده است، انجام گیرد:

هریک از افراد کشور حق کارکردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای چه در سطوح کارگاهی و حرفه ای و چه در مقیاس سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرایط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون و ویژه ای تأمین میشود. همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانی است، و در حدودی که قانون معین میکند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همرا به آموزش و پرورش، آموزش حرفه ای و فرهنگ سازمان میدهد. داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و براساس اولویت زحمتکشان روستائی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده ای، برخورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد.

۸- در قسمت مربوط به شکنجه نکات زیرین تصریح گردد:

هرگونه شکنجه و تنیه بدنی و روانی نسبت باشخاصی، چه بدستور مقامات دولتی و قضایی باشد و چه خود سرانه از جانب ماموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است. اعتراف یا شهادتی که با شکنجه، تنیه، آگراه و اجبار گرفته شده باشد، فاقد ارزشی و خالی از هرگونه اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین میکند.

تحصن کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا

تعداد ۱۲۰۰ نفر کارکنان مستشاری نظامی وابسته به سفارت امریکا، که در بهمن ماه گذشته، یعنی در جریان انقلاب بملت تعطیل ادارات وابسته به سفارت امریکا از کار برکنار شده اند، دست به تحصن زده اند. آنها طی نامه ای برای سفارت امریکا، که رونوشت آنرا به دفتر امام خمینی، نخست وزیر، وزارت دفاع ملی و وزارت کار و امور اجتماعی ارسال داشته اند، برخی از خواستهای خود را بشرح زیرین بیان کرده اند:

- پرداخت حقوق موقوفه بمدت ۴ ماه
- بازنشستگی و بازخرید طبق تقاضای کارکنان و براساس آخرین حقوق و مزایا باشد.
- حداقل ۵ سال به سابقه کار برای بازخرید و بازنشستگی اضافه شود.
- مرخصی استعلاجی کارکنان جزو سوابق خدمت محسوب شود.

وزارت کار و امور اجتماعی در تأیید خواستهای کارکنان مستشاری نظامی، نامه ای بوزارت امور خارجه ارسال و توجه مقامات مستشاری را به نکات زیرین جلب نموده است:

- هر گاه قرارداد استخدامی بین آن مستشاری و کارمندان کمتر از قانون و یا مغایر با مواد قانون کار در ایران باشد، اعتبار و ارزش قانونی ندارد.
- پاداش سابقه کار برای ارسال خدمت درموقع فسخ قرارداد، معادل ۱۵ روز آخرین حقوق دریافتی کارمند بازا هر سال کار میباشد.
- مزایای خسارت اخراج برحسب سوابق خدمت و براساس رسیدگیهای مراجع صلاحیتدار وزارت کار و امور اجتماعی تعیین و مقرر میگردد.

اخبار کارگری

در جمع رانندگان و کامیونداران

از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۱۹ خرداد، حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان مینی بوس و کامیونداران در حیات استا نادارای کرمانشاه جهت رسیدگی به وضع بیکاری خود ویا گرفتن وام بیکاری تجمع کرده بودند. راننده جوانی میگفت: «به همت این انقلاب، بانکهای ملی شدند و این به نفع ملت است. هر چقدر که از یوغ استعمارگران خارجی راحت شویم، بسر ای ماهم کارزودتر ایجاد خواهد شد. اگر صنایع وابسته به خارج هم ملی بشوند، دیگر نورعلی نور است و بیکاری ریشه کن خواهد شد.»

راننده دیگری میگفت که گویا کامیونداران بیکار تهرانی هم باتشکیل سندیکا فوراً به خواست های قانونی خود رسیده اند و آنها را ترغیب به ایجاد سندیکا می کرد. راننده مجرب و مسمی، که زنج کار در صورتش هویدا بود، میگفت: «بما می گویند از ویتهای ما یاد بگیرید. برك درخت خوردند و پست آمریکا و فرانسه را به خاک مالیدند. حالا هم چین را سرچایش می نشانند. ماهم قبول داریم که مردم ویتنام نمونه مقاومتند. دولت هم اگر راست می گوید برای ما کار ایجاد کند، نه اینکه هی به سرمایه دارها وام بدهد. آنوقت ماهم با چنگ و دندان با آمریکا مبارزه خواهیم کرد، نه اینکه هی بهما بر حسب ضد انقلاب بزند و بخودش دولت بی عمل!»

بقیه از صفحه ۱ چگونه روشی ...

انصراف از منافع خلق، از موازین علمی تفکر و عمل، از سرشت انقلابی سازمان؛ روشن است که جواب چنین سهوالی منفی است، زیرا سیاست ضد خلقی و ضد اصولی و ضد علمی، اگر هم به کمک بخت یادر اثر بند بازیهای ما هارانه، به پیروزی برسد، پیروزش مانند پیروزی رژیم استبدادی گذشته درازمدت نیست. بهترین رهبری ها می کوشند تا با حفظ مواضع درست، عملشان پیروزی بخش باشد. آری می کوشند، ولی همیشه موفق نیستند. گاه عوامل عینی و ذهنی حساب نشده، کوشش ها را عبت میکنند. لذا محوریک سیاست، حقایق، خلقی و انقلابی بودن آن سیاست است. و اما اینکه این سیاست، بنحو پیروزی بخشی نیز تنظیم گردد، البته مطلوب است، و با اصطلاح معروف، «چه از این بهتر!» این کار بجهت قیمت آیا به قیمت

زیرا نیروهای کهن قوی و باتجربه و نیروهای نوان توان و خامند، تنها در نبرد میتوان آبدیده شد. تنها در آب میتوان شنا آموخت. تنها در رفتن و بزمن خوردن، کودک سرانجام راه رفتن را می آموزد. اگر نیروی حق است و در سمت تاریخ عمل میکند، مسلماً آن نیرو زوال ناپذیر است، مسلماً آن پیروزی خواهد رسید. البته این سخن بدان معنی نیست که پرورد تنظیم مشی حزب باید فقط به حقاقت مشی بسنده کرد و از مدبرانه و پیروزی آفرین بودن آن چشم پوشید. علاوه بر انتخاب هدف های درست مبارزه، باید تمام مساعی لازم را بکاربرد که اولاً نیروها را از سهل ترین راه بسوی هدف برد و ثانیاً این نیروها را حتماً بهدف رساند، ولی این کار بجهت قیمت آیا به قیمت

بقیه از صفحه ۱
یومزاد...

هزاران توده‌ای

برای مبارزه با امپریالیسم تجدید عهد کردند



مردم، اعضاء و هواداران حزب توده ایران، مزار شهید را در گورستان سید زکریای بابل گل باران کردند.

گورستان متروک بابل در خروش خلق زنده شد و آن پنج شقایق خونین توده‌ای، که در میدان رزم برخاک فروخته بودند، آن دهقان و کارگر و راننده، آن دانش‌آموز و سلمانی که دست در دست، مرگ را پذیرفته بودند تا راه توده‌ها هموار شود، دیدند که گورستان پر از شقایق‌های سوزان شد و در شعارهای آتشین مردم، شهدا برخاستند تا با نسل نوین حزب خود پیمان ببندند.

۲۹ خرداد سال ۳۲، خلق قهرمان بابل، در میتنگی که به ابتکار حزب توده ایران برپا شده بود، شرکت کردند تا خشم و نفرت خود را نشان امپریالیسم و نوکر سرسپرده اش شاه کنند. رفقای حزبی ما، پیشاپیش دیگران، با مشت‌های گره کرده و قلب‌های مشتعل به میدان کارزار می‌رفتند. وقتی گرزهای شاه خائن آتش گشودند، آنکه اول برخاک فروخت، رفیق راننده ما اسکندر روشن بود. وقتی رفیق روشن به‌خاک افتاد، جسد او کیسوانی، که خود در میتنک آنروز شرکت داشته و زخمی شده است، دنباله ماجرا را چنین بازگو می‌کند: «مردم قهرمان بابل و مبارزان حزب پیکر خون‌آلود این جوان رزمنده را به بیمارستان منتقل کردند. دفاعی بعد این می‌شاهد جوان در راه مبارزه خلق ما شهید گردید. در این هنگام، مردم و افراد حزب با آگاهی از شهادت رفیق اسکندر، مصمم گردیدند که جنازه رفیق شهید را تا گورستان تشییع نمایند...»

حرف‌هایش به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد:

«در همان روز بود که رفقای حزبی در کنار پدران و مادران این شهید سوگند خوردند که قصاص خون این شهیدان و همه شهدای راه خلق و آزادی را از شاه و اربابان فرومایه بگیرند.»

و خلق که به سوگند خود وفا کرد، در اولین بهار آزادی، هسر سه شنبه ۲۹ خرداد، در گورستان سید زکریای بابل جمع شد تا عهد ببندد امپریالیسم را نیز نابود کند و راه شهدای توده‌ای را ادامه دهد.

دور تا دور گورستان پر بود از شعارهای «زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر»، «برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق»، «ساعت ۵ بعد از ظهر در حالیکه جمعیت شمار می‌داد»

توده‌ای، توده‌ای راهت ادامه دارد. مراسم آغاز شد، رفیق هدائی بهاس بزرگداشت خاطره پنج تن شهید، یک دقیقه سکوت اعلام کرد

و آنگاه ابوتواب باقرزاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران سخن گفت رفیق باقرزاده در قسمتی از سخنان خود گفت: «نباید فراموش کرد که در لحظه کنونی امپریالیسم با تمام امکانات دوزخی خود در کمین انقلاب ماست و حاضر نیست به این آسانی از منافع چپاولگرانه و نامشروع خود در ایران دست بردارد، امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای محکمی در اختیار دارند، هر لحظه با نقاب تازه‌ای ظاهر می‌شوند.» رفیق باقرزاده در جای دیگری گفت: «باید با تمام نیرو بکوشیم که این انقلاب این کامیابی بزرگ تاریخی را، که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر سازیم.» رفیق باقرزاده نتیجه گرفت: «برای نيل به این هدف، مبارزه همه جانبه با امپریالیسم در درجه اول اهمیت قرار دارد راه مبارزه همه جانبه، اتحاد همه جانبه تمام نیروهای راستین و انقلابی است.» جمعیت حرف‌های رفیق

باقرزاده را با شمار: توده‌ای، توده‌ای، راحت ادامه دارد... بدرقه کرد و بعد نوبت به سخنرانی رفیق محمد قاضی رسید. او در آغاز سخنان خود اندوه برای فرزندان خود بنام نهاد گفت: «خون شهیدان توده‌ای ما به هدر نرفت، بلکه در طول این بیست و شش سال با خون مبارزان فدائی و مجاهدان ضد استعمار و هومنین بعدالت بشری بهم پیوست...» رفیق قاضی در پایان سخنانش چنین گفت «من بتوانم یک همشهری سالخورده و پیر که سالها رنج زندان و تبعید و شکنجه را تحمل کرده است، از تمام کارگران، کشاورزان، پیشه‌وران و روشنفکران آزاد بخواب دعوت می‌کنم که به حزب توده ایران، این پیشاه راه آزادی ملت، که مجهز به ایدئولوژی تابناک مارکسیسم-لنینیسم است و بوحثت زحمتکشان سرتاسر جهان اعتقاد دارد و در طول مبارزه نزدیک به چهل سال از هفتاد خوان طلسم امپریالیسم و استبداد و ارتجاع

عبور کرده و اکنون مجرب‌تر و مستحکم‌تر و مصفا تر از همیشه به مبارزه خود ادامه می‌دهد، به پیوندند تا کشوری آزاد برای خود و آینده‌ای آباد و فاخر ازغم و اندوه برای فرزندان خود بنام نهاد

خانواده شهدای توده‌ای سخن می‌گویند

سخنران به‌عنوان اسدالله روشن پدر شهید قهرمان اسکندر روشن بود. او چگونگی شهادت پسرش را تشریح کرد و جنایت دیگری از امپریالیسم و شاه را افشاء نمود. بعد از او نوبت به منصوره کیوانلو، خواهر شهید قهرمان توده‌ای احمد کیوانلو رسید. او در بخشی از سخنان خود گفت: «۲۹ خرداد روز تجدید خاطره با عزیزانی است که برس آرمانهای حزب خود، برای ایرانی آباد و آزاد و مستقل از تقدیر گذشتند.» او در پایان سخنانش چنین اعلام کرد: «۲۹

خرداد فرصت‌پر شور برای تجدید خاطره بارفتای شهیدی است که در نبرد علیه امپریالیسم، بضررب رگبار مسلسل شاه آزادی در آمدند مادر اینجا جمع شده‌ایم تا ضمن گرامیداشت خاطره آنان، نفرت عمیق خود را علیه امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلق های ایران، ابراز داریم و ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه ضد امپریالیستی را متذکر شویم و به‌شما هشدار دهیم که تنها با تشکیل جبهه متحد خلق است که می‌توانیم فرصت طلبان و نفاق افکنان را از صف خود بیرون کنیم.»

رفیق نوبخت هم در سخنان خود در این مراسم گفت: «رفقای شهید ما در مکتب حزب توده ایران درس مبارزه و پیکار برای آزادی و استقلال آموختند و در پیشاپیش صفوف مبارزین ضد استعمار پیکار کردند و بالاخره مانند بسیاری از هم‌زمان توده‌ای خود، در راه رهایی وطن از چنگال استعمار و آزادی طبقات ستمکش از اسارت سرمایه و قید و بند استبداد جان باختند و امروز ما بر گور این شهیدان، یاد آنان را گرامی می‌داریم و سوگند یاد می‌کنیم که بدون وقفه راه شهیدان را تا پیروزی کامل ادامه دهیم.» پیام‌ها

در این مراسم شو درزم مشترک توسط محمد سعیدی وشو توده‌ای قهرمان، توسط پریئل قرائت و پیام‌های زیرین خوانده شد، پیام سازمان جوانان ودانش آموزان دمکرات بندر انزلی، پیام اعضا و هواداران حزب توده ایران در لنکرود، پیام اعضا و هواداران حزب توده ایران در چالوس ونوشهر، پیام هواداران حزب توده ایران در اهواز، پیام جوانان دمکرات و هواداران حزب توده ایران در سیاهکل، پیام کانون دانش آموزان دمکرات ساری.

پیام‌های زیر هم بعلمت کمی وقت قرائت نشد، پیام دانشجویان دمکرات دانشسرای راهنمای تحصیلی در بابل، پیام هواداران حزب توده ایران در شیرگاه، پیام دانش آموزان دمکرات آمل، پیام سازمان جوانان و دانش آموزان دمکرات در لنکرود، پیام جوانان و دانش آموزان دمکرات در رودسر، پیام اعضا و هواداران حزب توده ایران در بندر انزلی، پیام دانشجویان دمکرات در بابل، پیام هواداران حزب توده ایران در بهش، پیام هواداران حزب توده ایران در آمل، پیام جوانان و دانش آموزان دمکرات قاشمشهر.

کمی دقت در محتوای این اعتراف، از معامله وسیع تر ما و مائوئیست‌ها با ساواک خبر می‌دهد. پرورد نیست که آن افراد آزاد شده، اکنون در لباس «انقلابی» سرگرم خرابکاری در میان مردم باشند. این ظن وقتی قوی تر میشود که بر اساس اخبار موق، سیروس نهانندی در رأس سازمانی بنام «شفق سرخ» مشغول فعالیت مسلحانه علیه انقلاب ایران است. البته این بار هم با نام «انقلابی» بر اساس اخبار رسیده افراد این گروه مشغول مسلح کردن جوانهای ۱۵-۱۶ ساله هستند و با پالیزبان نیز ارتباط دارند.

خیاانت‌های سیروس نهانندی آنچنان دامنه دار بود که مبارزان اسیر در زندان، نام سازمان اورابه طنز «سازمان اسارت بخش خلقهای ایران نام دادند!» درست در این شرایط حزب توده ایران، همراه با سازمان مجاهدین خلق ایران، از توطئه ساواک و نقش خائنه سیروس نهانندی پرده برداشتند. ولی گردانندگان سازمان انقلابی، نه تنها این افشاگری را رد کردند، بلکه تا دوسال بعد در باره «فرار قهرمانان» سیروس نهانندی تبلیغ و از او بعنوان یک «قهرمان» یاد می‌کردند. درست در همان روزهایی که نهانندی در ارتباط با کمیته کشتار شاه جانی، مبارزان را بدام می‌انداخت، آقایان مائوئیست، بعنوان «قهرمان» از او تجلیل می‌کردند و تازه بعد از دوسال، مائوئیست‌های سازمان انقلابی، خیاانت نهانندی را - آنها بطور تلویحی - پذیرفتند. جلاد ساواک در ادامه حرف‌هایش می‌گوید: «خیالی افراد، که بطور مظلون در خیابانها دستگیر میشدند بعداً باین سازمان انقلابی خوردند میشد آزاد شدند.»

سیروس نهانندی کرد این بود که، هیچکدام از اعضاء سازمانشان، با توجه به آن فعالیت که کرده بودند، اعدام نشدند.» در واقع معامله مائوئیست‌ها با ساواک چنان دامنه دار بود که، در حالیکه دهها مبارز به اتهام ارتباط ساده با سازمانهای سیاسی مخفی به‌جوخه اعدام سپرده شدند، مائوئیست‌های «سازمان رهایی بخش»، با اینکه بانگ مصادره کرده بودند، قصد ترور سفیر آمریکا را داشتند و... نه تنها اعدام نشدند، بلکه بی‌سروصدا از زندان آزاد گردیدند.

تهرانی سپس فاش می‌کند که، چگونه سیروس نهانندی از زندان پیام تسلیم داد. چگونه بنا بر اساس آنچه رئیس دادگاه از جلاد ساواک می‌پرسد، تنها در یک مورد، ۱۲ فرد صدیق، که به «مائوئیست انقلابی» یعنی سیروس نهانندی پیوسته بودند، در خانه‌های شهید شدند.

تهرانی، بعد از اینکه تسلیم یارسان نژاد و ۵ تن دیگر از رهبران مائوئیست سازمان انقلابی را فاش می‌کند، پرده از معامله سیروس نهانندی، یکی دیگر از سران سازمان انقلابی با ساواک بر می‌دارد و می‌گوید: «نتیجه معامله‌ای که

بقیه از صفحه ۱
در دادگاه تهرانی...
سالیان دراز پیش از این عده‌ای از اعضاء آن از حزب جدا و طرد شده‌اند.
رهبران این سازمان، که خود را «انقلابی» های دو آتشه جا می‌زدند، مانند همه مائوئیست‌ها وظیفه‌ای غیر از خرابکاری در نهضت جهانی کارگری نداشتند و ندارند. لاشائی‌ها، نسیم‌خواه‌ها پارسا نژادها... وقتی به ایران آمدند و وقت آن رسید که شعارهای «داغ» خود را عملی کنند، نه تنها تسلیم شدند، بلکه بخندم سازمان جهانی ساواک در آمدند. و آنها که نتوانسته بودند بعنوان «انقلابی» به خیاانت خود در نهضت ادامه دهند، در لباس «تئوریستین» های شام مخلوع به خیاانت ادامه دادند.
تهرانی، بعد از اینکه تسلیم یارسان نژاد و ۵ تن دیگر از رهبران مائوئیست سازمان انقلابی را فاش می‌کند، پرده از معامله سیروس نهانندی، یکی دیگر از سران سازمان انقلابی با ساواک بر می‌دارد و می‌گوید: «نتیجه معامله‌ای که



سوموزا به سوی انزو اوسقوتی که در انتظار همه دیکتاتورهاست رانده می شود

چریکهای ساندینیست، به نبرد خونین خود با نیروهای سوموزا ادامه می دهند و در عین حال سر باز خانه گارد به اصطلاح ملی اورا در شهر بزرگ لون آتش زدند. هدف ساندینیستها اکنون تصرف شهر ریواس در جنوب است و قصد آنها از این اقدام، این است که این شهر را به پایگاه دولت موقت خود بدل سازند.

از یک طرف دولت اکواتور، بنویان سومین کشور آمریکای مرکزی پس از مکزیک و کوستاریکا، با دولت سوموزا قطع رابطه کرد. وزارت خارجه کوبا ضمن صدور اعلامیه ای «حکومت موقت با سازی ملی نیکاراگوئه» را به رسمیت شناخت و به امریکا در مورد مداخله در امور داخلی نیکاراگوئه شدیداً اظهار کرد. وزارت امور خارجه کوبا موکداً اعلام داشت که چنین مداخله ای از طرف آن کشور، ویتنامی جدید در قلب امریکای لاتین بوجود خواهد آورد.

در سان خوزه کوستاریکا اعلام شد که در نیکاراگوئه یک دولت با سازی ملی تشکیل شده است. این دولت اعلام کرد که بعضی واژگونی رژیم سوموزا آماده انجام وظیفه خواهد بود. بگفته اعضای دولت با سازی ملی نیکاراگوئه، از هم اکنون برای شناسائی این دولت از طرف دولت های دمکراتیک امریکای لاتین اقداماتی بعمل می آید. دولت با سازی ملی نیکاراگوئه نماینده ای برای شرکت در اجلاس آینده سازمان کشورهای امریکائی، به واشنگتن اعزام داشت، بگزارش خبر گزارها، سوموزا نیز مانند سردمداران رژیم فاسد و ننگین پهلوی، اکنون که بربل پرتگاه سقوط قرار گرفته از دست ارباب جفاکار خود شکوه و ناله کرده است. وی امریکا را به ناسیاسی مهم کرد و عاجزانه از این کشور تقاضا کرد که به وی در مبارزه با قیام مردم و چریکهای ساندینیست نیکاراگوئه هر چه بیشتر کمک کند. سوموزا که خون مردم نیکاراگوئه را مکیده و ثروت سه میلیارد فرانکی از این راه به جیب زده است، گفت: « من در سی سال گذشته در ضمن مبارزه با کمونیسم به امریکا کمک کرده ام. اینک امریکا باید پیش از آنکه به من کمک کند...»

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که رئیس دولت پاناما اعلام کرد که دولت وی روابط دیپلماتیک خود را با آناستاسیو سوموزا قطع کرده است و هم اکنون امکان شناسائی دولت با سازی ملی نیکاراگوئه را بررسی می کند.

از طرف دیگر خبرگزاری تاس با استناد بر نوشته روزنامه پر او دا اعلام کرد که رژیم سوموزا اوشتیپانان وی می کوشند تا کشمکش نیکاراگوئه را به یک درگیری بین المللی مبدل سازند. پر او دا همچنین نوشت که « دوهزار و پانصد نفر مزدور بیگانه، از امریکا، کره جنوبی، شیلی و همچنین از سایر کشورها در کنار سر بازان سوموزا با چریکهای ساندینیست و مردم نیکاراگوئه می جنگند...»

آثار امضای پیمان سالت ۲

دیدار رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکا برای امضای پیمان سالت ۲، دو کشور را به انعقاد پیمانی در مورد منع قانونی سلاحهای رادیولوژیک - که اشعه مرک را در شعاع عملی بسیار وسیع منتشر می سازند - نزدیکتر ساخت. در اعلامیه ای که در پی گفت و گوهای لغو نبرد ایلچی بر ژرف و جیمی کارتر در وین انتشار یافت، تصریح شده است که درباره مواد مهم مربوط به پیمانی جدید که اختراع و کاربرد سلاحهای رادیولوژیک را ممنوع خواهد ساخت، توافق حاصل شده است.

از طرف دیگر هیئت دائم امریکا در سازمان ملل متحد (در ژنو) روز چهارشنبه در نشریه روزانه خود تصریح کرد که اتحاد شوروی و امریکا در ژنو گفت و گوهای خود را درباره منع سلاحهای رادیولوژیک آغاز کردند.

چنین می نماید که طرفین مذاکره امیدوارند که گفت و گوهای آنها سریباً منتج به نتیجه ای شود.

امضای پیمان سالت ۲، مخالفان معلوم الحالی چون باری گلدواتر و هنری چکسن در سنای امریکا دارد، لکن سناتورا دارد کندی امضای این پیمان را «گامی بسوی صلح جهانی و عامل بازدارنده جنگ هسته ای» توصیف کرد.

ضیاء الحق پاکستان را به گردونه «کامان ولث» بازی بندد

ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهوری پاکستان، در مصاحبه ای برای بی بی سی اعلام کرد که آماده است مجدداً پاکستان را به جرگه کشورهای مشترک المنافع امپراتوری انگلیس ملحق سازد. بدین ترتیب رئیس جمهوری اسلامی پاکستان برای نخستین بار قصد خود را در نقض تصمیمی که ذوالفقار علی بوتو، نخست وزیر پیشین این کشور در سال ۱۹۷۲ در مورد خروج از جامعه کشورهای مشترک المنافع اتخاذ کرد، اعلام داشت.

کارگران شرکت ساختمانی فریمان بعلت عدم توجه کارفرما به خواسته هایشان اعتصاب کرده اند

بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی فریمان، از روز ۲۲ خرداد در دفتر شرکت متحصن شده اند. کارگران خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده، پرداخت بیمه و مالیات و خواهان ادامه کار شرکت هستند، که از طرف کارفرما تعطیل شده است.

در شرکت ساختمانی فریمان بیش از ۳۰۰ کارگر فنی و ۳۰۰ کارگر ساده کار می کردند، که در جریان اعتصاب سراسری، کارگران ساده توسط کارفرما اخراج شدند. کارفرما از پرداخت حقوق بقیه سرباز زد و حق بیمه و مالیات کارگران را، که حدود ۵ میلیون تومان است، نپرداخته و در نتیجه دفترچه های بیمه کارگران عملاً بی ارزش مانده و کارگران از دریافت وام بیکاری هم محروم شده اند.

کارگران چندین بار با کارفرما و نماینده او تماس گرفتند، اما کارفرما از پرداخت حقوق کارگران سرباز زد و با وجود رای دادگاه وزارت کار، مبنی بر پرداخت حقوق کارگران، از اجرای حکم امتناع نموده است.

هندوستان، ضمن انتشار اعلامیه این حزب، امضای پیمان سالت ۲ را «گامی مهم در راه تحدید مسایقه تسلیماتی و تقلیل تهدید جنگ هسته ای» توصیف کرد. فقط اشخاص و محافل در جهان به وادارونه نمایی و نفی واقعیات مثبت و مفید عینی می کوشند که مانند سوداگران اسلحه، در وجود تشیع و مناقشات و دوام و گسترش آن در جهان منافعی سراغ دارند، یا در موضع و مقام یک مخالف خون، منفی باف و چه بسا از موضع ضد کمونیستی زیر جهان و آنچه در اوست می زنند و لاجرم آب در آسیاب گروه نخست می ریزند.

کار فرمایان شرکت زمینیه، عامل نارضایتی و فشار بر کارگران این شرکت هستند

شرکت زمینیه یک شرکت بزرگ ساختمانی است که به لاجوردی سرمایه دار معروف تعلق دارد. این سرمایه دار که صاحب بیش از ۸۵ شرکت تولیدی و کارخانه های متنوع است، اکنون فراری است و در شهرهای اروپا و امریکا بسر میبرد. اداره امور شرکت های ساختمانی او را در حال حاضر، پسر او و چند سهامدار عمده دیگر این شرکت برعهده دارند.

یکی از کارگاه های ساختمانی این شرکت، شهرک دانشگاهی است که در بین راه تهران کرج واقع است طبق قراردادی که ۹ سال پیش میان شرکت زمینیه و دانشگاه تهران بسته شده، قرار بوده است که شرکت زمینیه، پیش از ۱۳۴۰ آمارتمان را در چهار مرحله، به مدت ۲ سال، بسازد و به دانشگاه تحویل دهد. این شرکت، طبق قرارداد ۸۰ میلیون تومان پول دریافت کرده و بایستی ۷۰۰ کارگر را ب منظور تسریع در ساختن آپارتمانها بکارگیرد. اما امروز پس از ۹ سال، تنها دو مرحله را با صرف حدود ۶۰ میلیون تومان ظاهرآ به اتمام رسانده، در حالیکه هنوز این ساختمانها قابل استفاده نیست و بقول یکی از کارگران تنها آجر روی آجر کار گذاشته است.

این کارگاه برخلاف آنچه در قرارداد قید شده، کمتر از ۲۰۰ نفر کارگر را بکار گرفته، تا در هزینهها بقتضی شرکت زمینیه صرفه جویی شود. در رابطه با این شرکت ساختمانی، شرکت بتون سازی آکام بتون نیز فعالیت دارد و بتون مورد نیاز را تهیه میکند. این کارگاه و بطور کلی این شرکت ساختمانی، خودکفا است و برای تهیه بتون نیاز به ورود هیچ ماده اولیه یا ماشین آلات از خارج از کشور ندارد. در شرکت آکام بتون نیز در حدود ۲۰۰ کارگر کار می کنند. شرکت زمینیه در کارگاه شهرک دانشگاهی از امکانات فنی و ماشین آلات کافی برخوردار است و از نظر ادامه کار هیچ مانعی در بین نیست. از لودر و جرثقیل و بتونری و شن و ماسه و سیمان گرفته تا کارگر و نقشه بردار و کفراژ بند و آرما توبند و مهندس و نیز نفت و بنزین و گازوئیل و سایر مواد مورد لزوم برای ادامه کار، موجود است.

چند روز پیش یکی از سهامداران شرکت زمینیه، دوماینده واقعی کارگران را به دفتر خود میخواند و اظهار میدارد: «بعلت امتناع دانشگاه از دادن پول به ما و موجود نبودن مواد اولیه برای ادامه کار، قادر به ادامه کار شرکت نیستیم. من به مسئول کارگزینی سفارش کرده ام که حقوق کارگران را تا آنها تا ۱۵ خرداد احتساب کند.» نماینده کارگران نسبت به این تصمیم و این بهانهها برای اخراج کارگران بسختی اعتراض میکند و تمطیل کارگران و اخراج کارگران را غیر قانونی میدانند. نماینده کارگران شکایت خود را از کارفرما در وزارت کار مطرح میکنند. در تحقیقاتی که توسط وزارت کار و نماینده کارگران صورت میگیرد، بدستی معلوم میشود که بهانه کارفرما مبنی بر نبودن مواد اولیه و در مضیقه بودن از نظر ورود مواد اولیه مورد لزوم از خارج غیر منطقی است. در تماس دیگری که نماینده کارگران و نماینده وزارت کار با دانشگاه تهران میگیرند، اصل قرارداد و موادی که دلالت بر پرداخت پول بقدر کافی به شرکت زمینیه است، ملاحظه میشود. بر اساس همین تحقیقات معلوم شده که تصمیم کارفرما مبنی بر تمطیل این کارگاه غیر منطقی است و آشکارا منجر به فشار به کارگران زحمتکش و مشتاق به کار این کارگاه میشود. ناکفته نماند که در صورت تمطیل شدن این کارگاه، شرکت آکام بتون نیز، که قطعات پیش ساخته و بتون تولید میکند، تمطیل خواهد شد و ۲۰۰ کارگر در این کارگاه بتون سازی نیز بیکار خواهند شد.

کارگران شرکت زمینیه تا امروز که به اخراج تهدید شده اند، در معرض انواع اجحافات کار فرمایان این شرکت بوده اند. مثلاً در حالیکه هزینه زندگی به این میزان وحشتناک بالا رفته، کارگرانی هستند که، برهنای ۴۰ تومان حقوق روزانه، از ۲۰ سال پیش تاکنون به حقوق آنها اضافه نشده. عده ای از کارگران این شرکت پس از چندین سال هنوز مشمول استفاده از بیمه خدمات درمانی نشده اند. کارگران این شرکت از نظر ایمنی کار نیز در خطر هستند و از نظر کلاه، دستکش، لباس کار و سایر وسایل ایمنی در مضیقه اند. علاوه بر اجحافات حقوقی و تقصیر در ایمنی و شرایط بکار، کارگران از سرویس رفت و آمد، غذای گرم روزانه، بهداشت محیط کار و تبعیضات نیز در خونی دارند. کارگران شرکت زمینیه خواسته های خود را به وزارت کار تسلیم کرده اند و خواستار رسیدگی به کارشان، بنحو عادلانه و نفع کارگران هستند. کارگران شرکت زمینیه از نخست وزیر، دولت و وزارت کار خواستار عمل انقلابی در جهت حل مسایل کارگران هستند و نسبت به ضوابط کهنه اداری و عدم رسیدگی به مشکلات کارگران اعتراض جدی دارند. کارگران این شرکت اظهار میدارند که ملتی که قادر باشد شاه را بیرون کند، قادر به اداره امور کارخانه ها و شرکت های سرمایه داران فراری نیز هست. آنها از وزارت کار میخواهند که امور کارگاه را به نفع کارگران حل کنند و به نفع سهامداری مثل لاجوردی، که سعی در تطمیع و خریداری کارگران شریف و مبارز دارند. خواسته های کارگران شرکت زمینیه به قرار زیر است:

- ۱- جلوگیری از تمطیل کارگاه به بهانه
- ۲- اضافه حقوق به نسبت گرانی و بالا رفتن هزینه های مورد نیاز زندگی.
- ۳- بهبود در شرایط بیمه.
- ۴- رسیدگی به وضع ایمنی در کارگاه و تأمین لباس کار، کلاه و غیره.
- ۵- رسیدگی به وضع نامطلوب ناهارخوری و بهداشت کارگاه
- ۶- پرداخت هر چه سرمتر حقوق عقب افتاده ۴۵ روزه
- ۷- پرداخت حق مسکن ۸ ماهه (بالغ بر ۲۰۰ هزار تومان)
- ۸- تهیه سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران

کارگران به بازگشت کارکنان ژاپنی به کارخانه اعتراض دارند

رئیس هیئت مدیره کارخانه پریجستون، که متعلق به ژاپنی هاست، در سفر اخیرش به تهران، عده ای از کارکنان ژاپنی را که در زمان انقلاب محل کار خود را ترک کرده بودند به محل کار بازگرداند و این مسئله باعث اعتراض کارگران روبرو شده است. مدیریت کارخانه هم اکنون در دست مدیران سابق است و کارخانه هنوز فاقد سندیکای کارگری است.

بقيه از صفحه ۱ درباره سالت ۲...

گذشته از رهبران جهان سوسیالیسم، شخصیهای جوامع غیر متعهد و همچنین رجال واقع بین جهان سرمایه داری، درست بعلت درک همین ضرورت استقرار صلح، تفاهم و همزیستی بین ملت ها است که انعقاد پیمان سالت ۲ را «گامی بزرگ در راه صلح جهانی»، «پیروزی بزرگ برای تلاشهای پیگیر اتحاد شوروی در جهت کاهش خطرات ناشی از زرادخانه تسلیماتی عظیم» و «جامع ترین و پیچیده ترین پیمانی که تاکنون در زمینه کنترل سلاحها تنظیم شده» توصیف کردند. موداچی دسای نخست وزیر هند، در هنگام دیدار از بلگراد اعلام کرد که «انعقاد پیمان سالت ۲ گامی به جلو بود»؛ سخنگوی دولت سوسیالیستی مجارستان گفت: «امضای این پیمان حاصل تلاش های خستگی ناپذیر رهبری شوروی خصوصاً لغو نبرد برژنف است»؛ روزنامه روده پروا، ارگان حزب کمونیست چکسلواکی نوشت: «اجلاس رؤسای جمهوری شوروی و امریکا پیروزی بزرگی برای تلاشهای پیگیر اتحاد شوروی در راه کاهش خطرات ناشی از زرادخانه های تسلیماتی عظیم بشمار میرود»؛ روزنامه پروادا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشت: «پیمان دوم تحدید سلاحهای استراتژیک (سالت ۲) بزرگترین

عشق به توده

توده‌ای بزرگ!
ای مداوم ای عظیم پرخروش
توده‌ای صبور پر متانت
ای صلابت ای سترگ!

ای تمام قدرت زمین
ای تمام همت زمان
قرنها بدست پر توان تو
واژگونه می‌شوند
ای امید جاودان سخت‌کوش
آه ... ای عظیم پاره‌پوش.

شعر من برای تو
و تمام زندگانیم
قطره‌ای حقیر
پیش پای تو!

عاشقم به توده‌ها که عشق توده‌ها
شورزنده بودن است
عشق توده‌ها

معنی تمام لحظه‌های بودن است.
شعلا رها ۱۶/۳/۵۸

جهاد برای سازندگی

قانونمندی تداوم و تثبیت دستاوردهای انقلاب است

و اقتصادی و فرهنگی و آدامه نابسامانی موجب گسترش و افزایش نارضایتی و دلزدگی از اوضاع میگردد، که این خود مساعدترین زمینه را جهت ایجاد نفاق و تفرقه و بهره برداری ضدانقلاب فراهم میسازد.

در ضمن در همین مرحله سازندگی است که باید شالوده اقتصاد مستقل و سالم و اصیل ملی و خلقی در تمام ششون فرهنگی کشور پایه گذاری گردد، و این عمل تنها با همکاری و همیاری و شرکت فعال همه توده‌های زحمتکش - کارگر و دهقان پیشه‌ور و دانشجو و روشنفکر انجام گیرد.

روی سخن امام خمینی در پیام خود خطاب به ملت و فراخوانی به «جهاد برای سازندگی»، درست به همین زحمتکشان است. پس سازندگی باید در اساس در جهت حفظ و دفاع از منافع این طبقات و اقتدار و ایجاد تضمین‌های مادی و قانونی این منافع در جامعه باشد زیرا همچنانکه در مرحله نخست انقلاب، اتحاد و شرکت این طبقات و اقشار محرك اصلی و ضامن پیروزی انقلاب بوده در مرحله سازندگی نیز همین طبقات و اقشار هستند که با شرکت فعال و خلاق خود، وثیقه موفقیت آن هستند و سنگینی بار سازندگی را هم بدوش میکشند.

که در ظاهر فریبنده و حتی برای برخی از نیروهای صادق، اما ناگاه، گمراه کننده است و ماهیتا در خلاف جهت و محتوا و خصلت عمده انقلاب و پیشرفت و تعمیق آنست.

نیروهایی هم که در مرحله نخست انقلاب بهر تقدیر ناگزیر شدند هرنگ جماعت شوند و از این مرحله، بزبان خود، از کردار خویش ابراز ندامت کردند، در مرحله سازندگی نیز تعمیق و پیشرفت انقلاب را با نیروی محرك توده‌های خلق، مغایر با منافع خود می‌بینند و در امر سازندگی و تدوین برنامه‌های مشخص در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تغافل میورزند. از سوی دیگر تاخیر و تغافل در تدوین برنامه‌های مشخص در همه زمینه‌های سیاسی

ملت ایران و فراخوانی ملت به «جهاد برای سازندگی» تاکیدی است بر خصلت خلقی انقلاب و نیروهای محرك عمده آن، که توده زحمتکش، یعنی مستضعفین هستند.

امروز بازمانده‌های رژیم سابق و همه نیروهای داخلی و خارجی که در نتیجه پیروزی انقلاب و موضوع سیاسی و اقتصادی و پایه‌های خود را از دست داده‌اند و یا ضربات جدی بر مواضعشان وارد آمده است و دیگر نمیتواند با شعارهای «جاوید شاه» و «پشتیبانی از قانون اساسی» عرض اندام کنند، در کمین فرصت مناسب نشسته و با هدفهای خرابکارانه در امر پیشرفت انقلاب، هر روز زیر آن شعارها و نظریاتی صف آرایی میکنند

توقف در راه پیشروی روند انقلاب، عملاً بمنزله بازگشت و در معرض خطر قرار گرفتن دستاوردهای انقلاب است. بنابر منطق و قانونمندی تحریک و پیوستن انقلاب، مرحله فرو پاشی نظام سیاسی و اقتصادی، مرحله سازندگی را در پی دارد که این مرحله، ضمن تداوم روند انقلابی و تثبیت دستاوردهای آن، انقلاب را گزند ناپذیر و نهادهای مادی و معنوی آنرا استحکام می‌بخشد و روند انقلابی را بازگشت‌ناپذیر میسازد. بدین ترتیب سرنوشت آینده و حفظ دستاوردهای انقلاب در گرو مرحله سازندگی آنست و بجهت علت است که رهبری انقلاب، امام خمینی، با آگاهی کامل و درک مسئولیت عمیق در قبال اهیتی که این مرحله از انقلاب در بردارد، در پیام خود خطاب به ملت ایران برای بسیج همه نیروها در این مرحله، بخاطر پیشبرد و به ثمر رساندن انقلاب، ملت را به «جهاد برای سازندگی» فرا میخواند. در عین حال تاکید امام خمینی در پیام خطاب به

احداث نیروگاه اتمی يك خیانت دیگر پهلوی

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضاء، هواداران و دوستاناران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

لطفاً کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، زنگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. باسپاس «مردم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی،
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

شده، باز باید ۵ میلیارد دلار دیگر در این راه مصرف شود.
باید نظر گرفتن تمام این جنبه‌های منفی است که سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران میگوید، «با توجه به مسائل ایمنی، اقتصادی، اجتماعی و فنی، تعطیل نیروگاه‌ها به مصلحت و خیر مملکت خواهد بود».

برای تصمیم نهائی دربارهٔ نیروگاههای بوشهر، کمیسویی بنام «کمیسیون عالی انرژی» تشکیل شده است که باید سرنوشت این نیروگاه‌ها را تعیین کند. امید است این کمیسیون بدون تن دادن به برخی «معامله» موهو سیاسی و اقتصادی، بخصوص بادر نظر گرفتن هزینه خرید ۲۰۶ تن اورانیوم، که گفته میشود سالانه ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد بود، مسئله این دو نیروگاه را به نفع ایران حل کند.

در پایان این بحث باید تاکید کنیم که حزب توده ایران هرگز مخالف بکاربردن تکنیک و تکنولوژی معاصر، از جمله بیروگاه‌های اتمی بطور کلی نیست، آنچه مهم است، اینست که باید دید در شرایط کنونی، کدام تکنیک و تکنولوژی منافع ایران را بهتر تأمین میکند. بدیهی است زمانیکه نیروگاههای اتمی، ریسا حتی هسته‌ای، مراحل آزمایش و تکامل خود را طی کردند و استفاده از آنها در شرایط ایران از همه لحاظ مقرون بصره بود، میتوان وباید از آن استفاده کرد.

اتمی اتریش در ایران اعلام کند؛
- هزینه هر واحد انرژی تولید شده از نیروگاههای اتمی، در شرایط ایران، به علت گرانی تاسیسات و ماشین آلات و اورانیوم وارداتی، بیش از انرژی تولید شده در سایر نیروگاه‌ها است.

بهمین علت است که پس از انقلاب، برنامه ضدمردمی رژیم پهلوی درباره اتمی کردن نیروگاهها کنار گذاشته شد. ولی مسئله ادامه یا قطع ساختمان ناتمام نیروگاههای بوشهر، که ۸۰ درصد کارهای آن انجام گرفته هنوز هم از طرف دولت موقت حل نشده است.

عده‌ای بر آنند که حالا که ساختمان این دو نیروگاه در شرف پایان است، برای اینکه هزینه‌های انجام شده به هدر نرود، بهتر است که کار ساختمان آنها ادامه یابد. عده‌ای دیگر، به علی‌که در بالا اشاره کردیم، و نیز باین علت که این نیروگاه‌ها به قیمتی اقل از دو برابر قیمت‌های بین‌المللی برای ایران تمام خواهد شد، ادامه ساختمان آنها را به صلاح کشور نمیدانند.

این نیز یکی دیگر از خیانت‌های رژیم پهلوی است که برای غارت بیشتر درآمد کشور، تمام خریدها و مقاطعه‌های دولتی را به قیمت‌هایی بمراتب بیش از قیمت‌های عادی بین‌المللی انجام میداد.
با اینکه برای ایجاد نیروگاههای بوشهر تاکنون ۷/۸ میلیارد دلار مصرف

که بجای مواد انرژی‌زای ارزان و فراوان داخلی، از اورانیوم گران قیمت وارداتی و سرنوشت خود را بدست دول امپریالیستی سپارد؛

- ایران بملکت نداشتن کار شناسی در این زمینه، از لحاظ کادر فنی نیز باید وابسته کشورهای امپریالیستی گردد؛
- خطرات ناشی از نشت مواد رادیو آکتیو، بخصوص در ایران زلزله-خیز، بمراتب جدی‌تر و محتمل‌تر از سایر کشورها است؛

- مسئله آلودگی آب مورد مصرف در نیروگاههای اتمی و ریسا خطرات ناشی از پسماندهای اورانیوم جوانب منفی دیگر نیروگاههای اتمی را تشکیل میدهد. در مورد آلودگی آب کافی است گفته شود که دو نیروگاه بوشهر، ۶ میلیون متر مکعب آب دریا را آلوده خواهند کرد و لطمات جدی به تخم‌ماهی و میگو در خلیج فارس وارد خواهند ساخت.

خطرات ناشی از دفن پسماندهای اورانیوم چنان است که دولت اتریش، که در صدد ایجاد نیروگاههای اتمی بود، برای آرام کردن افکار عمومی، متعهد شد که پسماندهای آنرا از کشور خارج کند، و فقط عنصر تامنز استخوان خیا ننگاری نظیر محمدرضا پهلوی میتوانست آمادگی خود را برای دفن پسماندهای نیروگاههای

بازگرداندن دلارهای نفتی به کشورهای امپریالیستی، یکی از سیاست‌های خانفانه رژیم ضد ملی و استبدادی محمدرضا پهلوی بود. در اجرای این سیاست بود که این رژیم تصمیم گرفت تا سال ۱۹۷۴، سالی که منابع مکشوف نفتی با شیوه غارتگرانه کنسرسیوم میبایست تقریباً به پایان برسد، چندین نیروگاه اتمی به ظرفیت ۲۳۰۰۰ مگاوات در ایران احداث کند. برای این کار در سال ۱۹۷۵ قرار دادی با آلمان فدرال به منظور ایجاد دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی در بوشهر، به مبلغ ۷/۸ میلیارد دلار مارک منعقد شد. همچنین قرارداد دیگری با فرانسه به مبلغ ۹ میلیارد دلار فرانک به امضاء رسید.

این برنامه رژیم از همان آغاز، با وجود تبلیغات وسیع درباره اهمیت و ضرورت و فواید آن، با مخالفت شدید حزب توده ایران و برخی دیگر از محافل ملی و دموکراتیک مواجه شد. این مخالفت به دلیل زیر بود:

سدر شرایطی که ایران با ذخایر عظیم گاز خود، که به رقم بیش از ۹ هزار میلیارد متر مکعب بالغ میشود و از این لحاظ مقام دوم را در جهان دارد (پس از شوروی)، ایجاد نیروگاههای اتمی عملی کاملاً غیر منطقی است. برای تقدیه نیروگاههای اتمی، ایران ناگزیر است

در آذربایجان هم باید آزادی برای همه نیروهای انقلابی تأمین گردد

مقامات و سازمانهای مسئول رانیز به این مهم جلب می‌نمایند و مصرانه خواستار پایان دادن به اینگونه اعمال ضد انقلابی و تفرقه افکنانه است.

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که مقامات مسئول تا کنون پاسخ مثبت به این خواست قانونی نداده‌اند و هنوز هم آن شرایطی که همه مطبوعات و همه احزاب و گروههای سیاسی بتوانند آزادانه به فعالیت خود ادامه دهند و حجت الاسلام محمدی به حق خواستار آنند در آذربایجان هم - مانند برخی دیگر از مناطق کشور - بوجود نیامده است.

طبیعی است که مبارزه علیه تسلط انحصاری بر زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی وقتی میتواند به نتیجه مطلوب برسد که در همه جا باشدت وحدت یکسان ادامه یابد.
کشور ما دوران پس‌دشواری را میگذراند. اگر از توطئه‌ها و کارشکنیها جلوگیری بعمل نیاورد عوامل تهدید و ارباب از بین برده نشوند، نمیتوان به وحدت کلمه، که خواست رهبران انقلاب است، نائل آمد و نیروهای انقلابی را در جهت چاره‌اندیشی برای مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی، که بر سر راه تثبیت و گسترش و تعمیق دستاوردهای انقلاب پیروز کنند ایران قرار دادند، بسیج کرد.

در اشاعه نظریات خویش سخن بمیان آورد؛
جای آن دارد که برخی از افراد و یا گروه‌هایی که در تیرین و دیگر شهرهای آذربایجان نه تنها با چماق تکفیر، بلکه با استفاده از شیوه‌های مردودی چون آتش زدن کتابها و پاره کردن شعارها، ارباب صاحبان چاپخانه‌ها و غیره، به چنگ قلم و اظهار نظر آزاد احزاب و گروههای سیاسی می‌روند، این تذکرات حجت الاسلام محمدی را آویزه گوش کنند و رهنمود عمل خویش قرار دهند. روی سخن ما با آنهاست که هنوز هم مانع فعالیت گسترده نیروهای ملی و دمکراتی در آذربایجان هستند و کشتن زیادی به حادثه آفرینی دارند.

کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در اعلامیه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ خود، نظر مقامات مسئول محل را به پاره‌ای از اعمال ناشایست این قبیل افراد جلب کرده بود. در این اعلامیه گفته میشود، «فرقه دموکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در پیشگاه خلقهای میهن عزیزمان ایران، بویژه در شرایط کنونی، به وظیفه سنگین و پر مسئولیتی که بر عهده دارد، به خوبی واقف و برای آن ارزش بس والا قائل است. لذا نظر تمام

حجت الاسلام محمدی، دبیر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - طی مصاحبه مطبوعاتی روز پنجشنبه ۲۴ خرداد، نظریاتی ارائه داشت که جلب نظر میکند. وی پس از تذکر اینکه، «از نظر اسلام تمام گروهها و ایدئوها آزاد هستند»، گفت: «در قرآن مجید آمده است که مؤمنان افرادی هستند که به سخنان طرف گوش فرا میدهند و از بهترین آن پیروی میکنند... حجت الاسلام محمدی، که این نظر را در چارچوب برخی مسائل مربوط به آزادی مطبوعات و گروههای سیاسی مطرح ساخته بود، سپس افزود: «منظور از آزادی در اسلام چیست؟ اگر آزادی هست، که حتماً هست، همه باید حرف خود را بزنند، حرفی که به وسیله رسانه‌های گروهی پخش میشود. ما هم اگر حرفی داریم از همان رسانه‌ها باید پخش کنیم، با چماق تکفیر که بچنگ قلم نمی‌روند».

آنچه ما از قول رهبر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - نقل کردیم، اصولی است که میباید در همه موارد و در همه جا مورد توجه قرار گیرد و بدون کوچکترین استثنائی بموقع اجراء گذارده شود. در غیر اینصورت چگونه میتوان از آزادی بیان و قلم و مطبوعات، از آزادی احزاب و گروههای سیاسی

حجت الاسلام محمدی، دبیر حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران - شعبه تبریز - نقل کردیم، اصولی است که میباید در همه موارد و در همه جا مورد توجه قرار گیرد و بدون کوچکترین استثنائی بموقع اجراء گذارده شود. در غیر اینصورت چگونه میتوان از آزادی بیان و قلم و مطبوعات، از آزادی احزاب و گروههای سیاسی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق